



۳۷° ↑ ۲۱° ↓ ظہر ۳۳° شب ۲۸°	حالت ہوا ۱۱% صبح ۲۵° عصر ۳۶°
---	---

● نیمہ شب شرعی ۲۳:۳۷	● اذان ظہر ۱۲:۳۰
● اذان صبح فردا ۳:۲۹	● غروب آفتاب ۱۹:۴۴
● طلوع آفتاب فردا ۵:۱۸	● اذان مغرب ۲۰:۵۶

حدیث روز
هر کس بخشی از کار
مسلمانان را بر عهده
گیرد و در کار آن‌ها مانند
کار خود دلسوزی نکند،
پوی بهشت را استشمام
نخواهد کرد.

یکی از تاریخی‌ترین بخش‌های حرم مطهر رضوی گنبد...بودی خان است، بنایی که به دستور...بودی خان اوندیلادز، شاه عباس صفوی ساخته شده است. سپس سلاسل از سر دوران رفته رفته علاوه بر خدمات فرایان و لشکری و کشوری به خاندان صفوی، اقدامات فرایان برای اعتلای فرهنگ و تمدن ایران انجام داده است که شاید مهم‌ترین آن، ایجاد شرایط لازم برای ارائه حکومت متعاقب توسط ملاصدرا به هنگام تصدی حکومت شیراز بود. وی که از خاندان‌های پادشاهی و پسر عباس شد، توانست با تکیه بر سواد و سیاست، دستور ساخت گنبد...بودی خان حرم مطهر رضوی را داد و پس از فوتش...و پیشتر از هر صفی گنبد به کار خدای سرده شد.

فکر

کیاراز غلای
نویسنده و عکاس

برگ آمده است کف
کوچه و خیابان، توی
حیاط بیمارستان امام
رضا؛ آمده و نشسته روی
مندیلهای ترک خورده
و سرد اتوبوس واحد و
جا خوش کرده است
نوی بولوار ملک آباد،

فکر می‌کنم بیماری‌های تنفسی داشت فقط. بعد از کوکا، بعد از زمین‌های بایر بدون آب، بعد از گز کردن سنگ‌فرش‌ها، تپه ماهورهای حومه است که بدون فوت، خودشان را به رخ می‌کشند. کربلایی رحی و سایه و عیسی می‌مانند کجا را انتخاب کنند برای نخستین روی تپه‌ها و سنگ‌ها هیچ کس فحشی ننواشت. سنگ بزرگی که ۲،۴ برابر قدشان است، چای می‌ریزند تو ی استکان‌های پاشا باغچه جعبه کاغذی که معمولی کربلایی رضا از ترکیه سوغات آورده. کربلایی شاخه‌نایش را نصف می‌کند و می‌دهد به سایه، ایر و لگردی می‌آید و می‌افتد روی سرشان. تازه می‌بیند که چون یک ماما گرفتگی کوچک کنار گوشش دارد، و بعد تعریف می‌کند که قرار بوده اسمش را بگذارند «عیسی» اما عموش نغذاشده و مقاومت کرده. اگر کربلایی، عیسی بود سایه را نمی‌شناخت، با او ادواج نمی‌کرد و ساکن حویق نمی‌شد، به جایش می‌رفت دانشگاه و می‌نشت روی صندلی‌ها رسته فرهنگ و زبان‌ها باستانی. عیسی آن جا شاگرد اول می‌شد، رساله‌اش را روی درجات گناه در متون فارسی میانه می‌نوشت و ۸ پایه گناه را از بر بود و می‌دانست که فرمان نام کم‌ترین درجه گناه است که با توبه خواندن، بخشیده می‌شود و مرگ ارزان، گناهی است نابخشودنی که در آن سر محکوم به شیوای خاص قطع می‌کند یا بدنش را در تخته بندهای مخصوصی تحت فشار می‌گذارند تا استخوان‌ها خرد شود. عیسی به جای کشاورزی و مقلای می‌نوشت و پژوهشگر ادیان و مذاهب می‌شد. ایر از روی سر عیسی و سایه رد شد، حالا دوباره کربلایی رضا و سایه بودند سرشان داغ شده و پوست سرشان کباب آمده بود، بلند شدند و رفتند تا چند سال بعد توی حویق خانه‌ای بگیرند و دختری به دنیا آورند که فقط ۱۴ سال عمر می‌کند.

اکنون نزدیک به ۷۰ سال است که کاهش میانگین دما را به چشم ندیده است. این گرما حتی اگر باعث آتش‌سوزی نمی‌شد و حتی اگر همین امروز تمام جنگل‌های ایران و جهان از زبانه‌های آتش مصون می‌شدند، باز هم مشکلاتی

مانند افزایش آفات کشاورزی، کاهش تولیدات کشاورزی و باغی، افزایش بیماری‌های ناشناخته و جابجایی انسان‌ها در بلایای طبیعی را به دنبال داشت.

مسئولان از مشکلات خودروهایی شخصی و شاید میزان بالای آلودگی هوا، پیغام‌ها و اطلاع دارند و هنوز در این زمینه نیاز به اقدامات بیشتری است. اما ۲ عامل دیگر گرایش زمین را احتمالاً کمتر می‌دانیم. نخستین آن برق‌کشی است. همچنان در ایران نزدیک به ۸۵ درصد از آن سوخت‌های فسیلی بومی است. و شاید به دلیل میزان بالای اتلاف آن در شبکه توزیع، نسبت به گاز و نفت هم

10

پڑھو

های
لها
طبق

ند
به
برد،
مای
در
د.
ند
سر
اله
ده،

میلاد غلیظی، پژوهشگر حوزه ادبیات، در صفحه اینستاگرامی‌اش از بی‌احترامی به‌قبر فرزند ملک‌الشعرا ابی‌مهر نژاد نوشته است: «گاهی اتفاقی می‌افتد که باور تو گدازد و... چهاردار به‌پار، دختر ملک‌الشعرا ابی‌مهر، و خواهر مهردار به‌پار، در نامه سرگشاده‌ای به شورای شهر و شهرداری تهران و هیئت زهر(اس) نوشته است که هر قطعه هنرمندان بهشت زهرا(اس) رفته بود تا تاج‌های برای برادرش بخواند و دیده است قبر مهردار به‌پار را تغییر داده‌اند و بی‌احازه خانواده به‌پار، در محرم امیر کاووس بالا‌زاده را در قسمت فوقانی ازین قبر مهردار به‌پار سجده‌اند! مهردار به‌پار، دیده و حیرت که امن چه باور عجیبی است، مهردار به‌پار، ایران شناس و دانشمند برجسته‌ای بود. آثارش از آفتاب مشهور تر است. شاگرد پروا بود، دراز افروز، هنینگ، بلی و

پویسن بود، کنگار و ساری در میدان فرهنگ بود. سال‌ها در دانشگاه تهران درس داد و شاگرد پرورش داد. در تاریخ و فرهنگ و اساطیر و ادیان و زبان‌های ایران پیش از اسلام متخصص بود. کتاب‌ها و مقالاتی نوشت که مورد مراجعه محققان است. مهر داد پهلر تا دم آخر کار کرد. با درد و بیماری کار کرد و به ایران خدمت کرد. از بس ایران را دوست داشت، با آن مقام شامخ علمی برای کودکان کتاب نوشت تا آن‌ها را با فرهنگ و اساطیر ایران آشنا کند. حالا

گرام گدی

هنرمند
برادر
و بی
قس
دید
ایران
مش

ایران
کتاب
مراحم
دم آ
کرد
ایران
شاه
نوش
اسا

(رضاع) بزرگ شده‌ام، خیلی دشوار بود.» این صحبت‌ها همه ما را به یاد روزی انداخت که درهای حرم مطهر رضوی بسته شد و جمعیت اندک حدود ۱۰۰ نفری از طرف حرم مطهر امام رضاع) اقدام به درهای توهین‌آمیز روز روز گرفتند؛ این اتفاق در شرایطی رخ داد که بیماری ره روز گرفتار داشت پیشرفت می‌کرد و مدیران استانی برای گرفتن تصمیم درباره بسته شدن درهای حرم مطهر رضوی همه به نظر شدند. آن هم در مشهدی که رسیدن به یک تصمیم و عقد شدن مدیران درباره اجرای آن خیلی بدک اتفاق می‌افتد.

وزیر بهداشت در ادامه صحبت‌هایش این را هم گفت که «یکی از دوستان بیان کرد که زائران امام رضاع) از ساعت بازگشایی روز در حرم مطهر رضوی، ناراحت و ناراضی‌اند و وقتی این مطلب را شنیدیم، تمام مسئولان آتش گرفت که منی باشم و زائر امام رضاع) در آفتاب بسوزد؟ بر رئیس جمهور گفتم باید به مشهد سفر کنیم ببینیم چگونه می‌توانیم راه را هموار کنیم تا هم خیالمان راحت باشد که شریک مردم در بیماری و مرگ زائر امام رضاع) نیستیم و هم راه‌راه برای تسهیل زائران ما هموار کنیم.» او در ادامه نگرانی‌اش را درباره بازگشایی حرم مطهر رضوی اعلام کرد و البته برای تصمیم‌گیری ما هم خط و نشان کشید: «مشهد محور بازگشایی صحن‌های اطراف و زیارتی در کشور است. نگران بازگشایی ما هموار است. صحن حرم مطهر رضوی نیستیم، بلکه نگرانی ما از همه بی‌صبرانه عشاق امام رضاع) از سراسر کشور است و در سایر اماکن زیارتی، چنین شور و شغعی وجود ندارد و وقتی مطرح می‌شود که صحن حرم مطهر رضوی به صورت شبانه‌روزی بازگشایی شود، با توجه به تعطیلی مدارس، مردم از اقصائات ایران به مشهد سفر می‌کنند که در این صورت هتل‌ها و سایر اماکن و مشاغل درگیر می‌شوند. اگر به نقطه‌ای برسیم که ببینیم برای زائران تألم خاطری ایجاد می‌شود، ایستادگی نمی‌کنیم.» اتفاقاً همین دیروز که این صحبت‌ها منتشر شد، ۳ روز در رسانه‌ها منتشر شد، از تهران هم ویدئوی گفت‌وگوی او با خبرنگاران بارگذاری شد که نمکی گفته بود: در رفت و برگشت به مشهد صحن‌های عظیم انگیزی دیدم؛ در هواپیما کپور تا کپب نشسته بودند؛ گوجه کادر پرواز برای ماسک می‌دادند اما خیلی در هواپیما گرم در هواپیما ماسک را برداشته بودند. این اتفاق برای ما که شبانه‌روز به کرون در حال جنگیدیم، مانند سلاقی بود به روح و روانمان. آن‌ها شد فاصله‌گذاری و نشست است؟ در صحن هم یک مدل دیگر غصه خوردیم. ما صاحب هایش را در حرم جدا قطع کرد و درباره عادی شدن کرونا میان مردم شروع به صحبت کرد، مثل همیشه با تشبیهی شاعرانه: «در مبارزه با کرونا اعتقاد دارم از گوجه زمین و در دقیقه ۹۰ کل کواهییم خورد.»

بهرداد دهر، فرزند شاعر ملی ایران، با آن همه خدمت به فرهنگ ایران، سزاوار گوری در این غریبستان نیست، هر کس مزار مهرداد بهار را تغییر داده، با او اهانت کرده است، نه به او که به مقام علم و معلم اهانت کرده است. بیخ توجه و بهانه‌ای هم قابل قبول نیست. اکنون باید منتظر باشیم تا به قبر زریبا و دیگران هم دست‌درازی نمود. دانشجویان چگونه تشویق به کار و تحقیق شوند وقتی مزار بزرگ‌ترین و خوش‌نام‌ترین دانشمندان و محققان و مرزین مصون و محفوظ نیست. سایه می‌گفت مهرداد بهار کبار به او گفته بود من از ایران می‌روم به فلان کشور مگر سایه که بسیار فقیر است، به آن کشور آباد می‌روم که گویند فرزند ملک‌الشعرای ایران از آنجا رفته! مهرداد بهار از ایران نرفت. خائلی پیش ساواک ریش گرو گذاشت و او را برای ایران و فرهنگ ایران حفظ کرد. یک جمله دوستانه با شورای شهر و شهرداری تهران: نام شما به عنوان کسانی ثبت شده که به قبر مهرداد بهار احترام نگذاشتید. یک سال دیگر شما نیستید، اما این زشت‌نامی با شما می‌ماند. خواننده نوشت آقایان به آن همه ادعای فرهنگ‌دوستی حرمت ایران شناس بزرگ را حفظ نکردند و خواب‌جای ابدی‌اش را آشفند. حرمت ملک‌الشعرا بهار را حفظ نکردند. جبران کنید. مزار مهرداد بهار را به‌شکل سابق آن برگردانید!

هراد بهار، فرزند شاعر ملی ایران، با آن همه خدمت به فرهنگ ایران، سازگار گوری در این غریبستان نیست. ترکس مزار مهاد بهار را تغییر دادند، به او اهانت کرده است. نه به او که به مقام علم و معلم اهانت کرده است. بیج توجه و بهانه‌ای هم قابل قبول نیست. اکنون باید منتظر باشیم تا به قبر زرباب و دیگران هم دست‌درازی شود. دانشجویان چگونه شوق به کار و تحقیق شوند وقتی مزار بزرگ‌ترین و خوش‌نام‌ترین دانشمندان و محققان ایران در زمین صوم و محفوظ نیست. سایه می‌گفت مهاد بهار کبار به او گفته بود من از ایران می‌روم به فلان کشور مسایه که بسیار فقیر است، به آن کشور آباد می‌روم که گویند فرزند ملک‌الشعرا برای تن آسانی از ایران رفت! مهاد بهار از ایران نرفت. خائری پیش ساواک کشید. گرو نداشتند و او را برای ایران و فرهنگ ایران حفظ کرد. جمله هم دوستانه با شورای شهر و شهرداری تهران: نام شما به‌عنوان کسانی ثبت شده که به قبر مهاد بهار احترام نگذاشتید. یک سال کنید شما نیستید، اما این زشت‌نامی با شما می‌ماند. خوانده نوشت آقایان با آن همه ادعای فرهنگ‌دوستی حرم‌ت ایران‌شناس بزرگ را حفظ نکردند و خواب‌جای اندی‌ش را آشفندند. حرم‌ت ملک‌الشعرا بهار را حفظ نکردند. جبران کنید. مزار مهاد بهار را به‌شکل سابق آن برگردانید!